

ارزیابی پیامدهای فضایی استقرار شهرک‌های صنعتی در نواحی روستایی (بخش مرکزی شهرستان مینودشت)

سیدحسین طبعی‌لنگرودی: استناد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران*
علی طـورانی: دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
رضا سلیمانگلی: دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

احداث صنایع و استقرار فعالیت‌های صنعتی در قالب شهرک‌ها در نواحی روستایی از جمله پدیده‌هایی است که پیامدهای گوناگونی در بر داشته است. از این رو پژوهش حاضر با توجه به اهمیت موضوع، به ارزیابی این پیامدها در ابعاد مختلف فضایی پرداخته است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی، تحلیلی است. جامعه آماری، آن دسته از شاغلان شهرک صنعتی مینودشت هستند که در روستاهای بخش مرکزی این شهرستان سکونت دارند که با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، حجم نمونه ۱۱۴ نفر برآورد، و به روش نمونه‌گیری تصادفی نمونه‌ها انتخاب شدند. و داده‌های حاصل از پرسشنامه با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. جهت تعیین میزان تغییرات اجتماعی و اقتصادی در زندگی روستاییان در دو وضعیت قبل و بعد اشتغال، در شهرک صنعتی و همچنین سنجش تغییرات محیطی-کالبدی در اطراف شهرک؛ از آزمون‌های ناپارامتری ویلکاکسون و مک نمار و آزمون‌های توصیفی استفاده شد. یافته‌ها بیانگر آن است که، استقرار شهرک صنعتی در ناحیه مورد مطالعه، پیامدها و تغییرات مختلفی به جای گذاشته است. ایجاد اشتغال و کسب درآمد به طور مستقیم برای تعدادی از روستاییان از جمله آثار مثبت این شهرک است؛ اکثریت این افراد قبل از اشتغال در بخش صنعت، در فعالیت‌های کشاورزی مشغول بوده‌اند که تعداد زیادی از آنها پس از اشتغال در شهرک صنعتی، فعالیت‌های کشاورزی خود را رها کرده‌اند. همچنین حدود یک سوم از شاغلان روستایی شهرک را زنان تشکیل می‌دهند که این مطلب نشان دهنده عملکرد مثبت استقرار صنایع در این ناحیه در زمینه اشتغال زنان است. نتایج به دست آمده از آزمون ویلکاکسون درمورد مولفه‌های میزان درآمد و پس انداز شاغلین روستایی، رضایت شغلی، امنیت شغلی، میزان تمایل برای ادامه زندگی در روستا، وضعیت مسافرت و تفریح، بهبود وضعیت بهداشت و درمان، گویای تفاوت معنا داری است. همچنین نتایج به دست آمده از آزمون مک نمار، در رابطه با مولفه‌های مربوط به الگوی مصرف و کیفیت زندگی تفاوت‌های معناداری را در دو دوره قبل و بعد از اشتغال در شهرک صنعتی، نشان می‌دهد. در زمینه پیامدهای محیطی- کالبدی از آزمون‌های توصیفی استفاده شد؛ با توجه به نتایج به دست آمده از مهمترین پیامدها در این بعد، می‌توان به آلودگی هوا، تغییر کاربری وسیع زمین‌های کشاورزی مرغوب و تغییر در چشم اندازهای محیطی اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی: صنایع روستایی، شهرک‌های صنعتی، توسعه روستایی، شهرستان مینودشت

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسأله

فضای جغرافیایی به مفهوم نمود فعالیت‌های انسانی درون محیط در بستر زمان، عرصه اصلی مطالعات علم جغرافیا را تشکیل می‌دهد، بنابراین، هر پدیده در فضای جغرافیایی را باید نمود کنش متقابل انسان و محیط دانست. در فضاهای روستایی عرصه‌های مختلف در کنش متقابل با یکدیگر بوده و با یک عملکرد سیستمی بر یکدیگر تأثیر گذاشته و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. با این نگرش عرصه‌های روستایی به عنوان فضاهای محدود جغرافیایی به شمار می‌روند که از عملکرد فعالیت انسان بر محیط طبیعی از یک طرف و تأثیر نیروهای بیرونی بر عرصه روستایی از سوی دیگر در طول زمان شکل گرفته و دچار تغییرات و تحولات گشته است (سعیدی، ۱۳۷۴، ۴). در این زمینه اقتصاد روستایی عمری برابر با سکونت انسان در کره زمین داشته و نقشی اساسی در مکان استقرار، استمرار در سکونت، تولید ثروت و ایجاد اشتغال ایفاء نموده و امروزه نیز در بین کارکردهای متنوع سکونتگاه‌های روستایی یکی از مهم‌ترین آنهاست. پایه‌های آغازین اقتصاد در روستاها را باید فعالیت‌های کشاورزی دانست که تا به امروز نیز در نظام تولید اقتصادی، الگوی تغذیه و بسیاری از جنبه‌های مادی زندگی روستاییان تأثیر غیر قابل انکاری داشته است؛ اما در فرایند تحولات اقتصاد روستایی در جهان و به تناسب نیازهای فعلی این جوامع به نظر می‌رسد که بخش کشاورزی به تنهایی قادر به ایجاد تعادل در شاخص‌های اقتصادی روستاها و جمعیت این مناطق نبوده و لزوم پرداختن به

فعالیت‌های غیرکشاورزی و جستجوی شیوه‌های جدید معیشت با اتکاء به منابع درونی روستاها بیش از پیش احساس می‌شود (مشیری و همکاران، ۱۳۸۲، ۱). از این رو، پس از جنگ جهانی دوم بسیاری از کشورهای در حال توسعه به منظور نیل به توسعه اقتصادی و اجتماعی بویژه در نواحی روستایی روش‌های مختلفی را تجربه کردند که این روش‌ها تحت عنوان راهبردهای توسعه شناخته می‌شوند. در این زمینه گروهی از محققان توسعه روستایی، صنعتی شدن را به عنوان سنگ بنای استراتژی توسعه آینده قرار دادند و با عنایت به همین اصل، در دو دهه اخیر استقرار صنایع در روستاها در غالب شهرک‌ها و نواحی صنعتی در دستور کار مسولان و برنامه ریزان کشور ایران قرار گرفت (مطبعی لنگرودی، ۱۳۸۲، ۱۵۲). بر این اساس، شهرک صنعتی شهرستان مینودشت، در سال ۱۳۷۹ به تصویب هیئت وزیران رسید و در سال ۱۳۸۰ عملیات اجرایی آن در یک ناحیه کاملاً روستایی آغاز شد. از این رو پژوهش حاضر بر آن است تا پیامدهای فضایی استقرار این شهرک را در نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان مینودشت مورد مطالعه قرار دهد.

۱-۲- اهمیت و ضرورت

بی تردید صنعتی شدن یک تصمیم سرنوشت ساز در زمینه توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای جهان سوم است و ضرورتی غیرقابل انکار می‌باشد. با گذشت حدود نیم قرن و تجربه انبوهی از الگوهای نظری و تجربی در این کشورها، صنعتی شدن به عنوان رویکرد غالب دهه‌های اخیر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۱، ۴۳)، از

در ابعاد مختلف فضایی می‌تواند از یک سو گویای میزان اثر بخشی این برنامه‌ها و طرح‌ها باشد و جایگاه عملکردی این گونه فعالیت‌ها را در راستای اهداف توسعه محلی و منطقه‌ای نشان دهد و از سوی دیگر گامی باشد در جهت برنامه‌ریزی و انتظام فضایی نواحی که این فعالیت‌ها در آنجا استقرار یافته‌اند و یا به نوعی از آن بهره‌مند می‌شوند.

۱-۳- اهداف

ایجاد واحدهای صنعتی در نواحی روستایی، همواره منجر به دگرگونی در ساختارهای اجتماعی-اقتصادی و تغییرات کالبدی-فضایی و زیست محیطی شده است (رحمانی و میرزایی، ۱۳۸۶: ۷۱). از آنجایی که ایجاد و گسترش واحدهای صنعتی در غالب شهرک صنعتی در شهرستان مینودشت از سال ۱۳۸۰ در درون یک ناحیه روستایی، موجب پیدایش فعالیت‌های جدیدی در این ناحیه شده است و با در نظر داشتن این نکته که اقتصاد روستایی در این ناحیه متکی به کشاورزی و دامداری است، تغییراتی در شرایط اقتصادی، اجتماعی و کالبدی-محیطی این نواحی به وجود آمده است. به این لحاظ، پژوهش حاضر سعی دارد که پیامدهای فضایی این فعالیت‌ها را در نواحی روستایی مورد ارزیابی و مطالعه قرار دهد. بنابراین، می‌توان اهداف اصلی این پژوهش را به شرح زیر مطرح نمود:

۱-۳-۱- شناخت و ارزیابی پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، که به موجب استقرار فعالیت‌های صنعتی در قالب شهرک صنعتی در نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان مینودشت شده است؛

این رو یکی از سیاست‌هایی که در برخی از کشورهای در حال توسعه به منظور توسعه روستایی به کار گرفته شده است، ایجاد نواحی صنعتی روستایی است (Misra, 1990: 15). بر این اساس، صنعتی سازی روستایی فرایندی است که ابزارهایی برای متنوع کردن اقتصاد روستایی فراهم آورده و همچنین راهبردی است که فقر روستایی را کاهش داده و با توسعه صنایع، از دیدگاه اقتصاد روستایی و اقتصاد ملی (Lee, 2001: 3)، توسعه متعادل میان خانوارهای شهری و روستایی، بخش کشاورزی و صنعت و بالاخره اقتصاد منطقه‌ای و تمرکززدایی صنعتی و شهری را میسر می‌سازد (Choi, 2001: 1). تجارب کشورهای پیشرفته و در حال توسعه گویای آن است که تجمع واحدهای صنعتی در حوزه نفوذ شهرها و نواحی روستایی، تغییرات و تحولات گوناگونی در مقیاس محلی و منطقه‌ای به دنبال داشته است (سلیمانی، ۱۳۸۴: ۱۲۸). به طوری که هر تغییر ساختاری از طریق صنعتی شدن، نه تنها اقتصادی با ارزش در نواحی روستایی ایجاد می‌کند، بلکه منجر به اقتصاد خود رانشی می‌شود (Foos, 1997: 239)، که با ایجاد توسعه اقتصادی، باعث اثرات فزاینده شده و نه تنها نواحی روستایی دارای صنایع، بلکه نواحی دورتر را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Olayiwola and Adeleye, 2005: 57). از صنایع روستایی به عنوان یکی از موثرترین روش‌ها برای استفاده از نیروی کار و دیگر منابع روستایی یاد شده است. این صنایع با ایجاد مشاغل جدید و افزایش انباشت سرمایه و پس انداز و با برقراری پیوند بین کشاورزی و صنعت، باعث رشد اقتصادی نواحی روستایی می‌شوند (Batov, 2006: 63). آنچه مسلم است شناخت و ارزیابی این پیامدها

کبریت سازی، نساجی و سفالگری و...) توسط گاندی و همکارانش برای توسعه روستایی به کار گرفته شد که این صنایع علاوه بر افزایش درآمد، کاهش مهاجرت، افزایش فرصت‌های شغلی در نواحی روستایی، مواد اولیه را برای صنایع بزرگ فراهم می‌کند (Mukherjee and Zhang, 2007: 1621).

«هانگ و همکاران» با بررسی نقش خوشه‌های صنعتی در ناحیه روستایی ونزو در چین، بیان می‌دارد که این منطقه طی دهه‌های اخیر، به یکی از پویاترین بخش‌های خصوصی در چین تبدیل شده و بدین طریق سریع‌ترین رشد اقتصادی را داشته است. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که خوشه‌های صنعتی باعث تقسیم کار در جریان تولید شده و فرصت‌هایی برای شرکت‌های کوچک و کارآفرینان در منطقه فراهم آورده است (Huang et al, 2008: 409).

در رابطه با اثرات محیطی استقرار صنایع در نواحی روستایی، «مارک ونگ و همکاران» در تحقیقی با عنوان نواحی صنعتی روستایی و آلودگی آب در چین، این مسئله را مشکلی جدی قلمداد کرده‌اند و آلودگی منابع آب در این نواحی را در اثر استقرار این صنایع دانسته‌اند (Wang et al, 2008: 659-648). همچنین تحقیقات «پنگ و همکاران» در ایالت یانگ شنگ چین در زمینه احداث صنایع و تغییرات چشم اندازهای زیست محیطی، نشان می‌دهد که بین احداث صنایع و تنوع چشم اندازه‌های محیطی در نواحی روستایی رابطه معناداری وجود دارد (Peng 2008: 277-268).

«مرادی و مطیعی لنگرودی» در تحقیقی به مطالعه جایگاه صنایع در فرایند صنعتی سازی و توسعه روستایی در بخش مرکزی شهرستان بیرجند

۱-۳-۲- بررسی اثرات کالبدی و زیست محیطی فعالیت‌های صنعتی مستقر در شهرک صنعتی بر نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان مینودشت؛
۲-۳-۳- ارائه پیشنهادات و راهکارهای موثر در زمینه اثرگذاری مثبت فعالیت‌های صنعتی در نواحی روستایی و تحقق هر چه بیشتر اهداف توسعه محلی و منطقه‌ای در ابعاد مختلف فضایی.

۱-۴- پیشینه پژوهش

مطالعات زیادی پیرامون استقرار صنعت و اثرات پیامدهای آن در فضاهای جغرافیایی صورت گرفته است؛ مهم‌ترین پیامدهای آن ایجاد رفاه، افزایش درآمد و فرصت‌های شغلی ذکر شده است (Scott, 1994: 362) که ابعاد متفاوتی چون پس انداز، مسکن، بهداشت، بیمه، تغییر الگوی مصرف، بهبود آموزش و بهبود گذران اوقات فراغت را در بر می‌گیرد (طاهرخانی، ۱۳۸۰، ۲۶).

«اسلام ریوانول» با بررسی اثرات استقرار صنعت در مناطق روستایی تصریح می‌کند که در این مناطق ضمن افزایش درآمد خانوارها، الگوی مصرف غذایی و کالاهای مصرفی بادوام نیز به میزان قابل توجهی دچار تغییرات اساسی شده است (Riawanul, 1994: 1643).

«الکا پاریک» در زمینه پیامدهای صنعتی شدن نواحی روستایی در هند، به کاهش فقر، افزایش آگاهی‌ها، رشد آموزش و سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در بخش کشاورزی اشاره کرده است (Parikh, 1996: 351). کشور هند بعد از جنگ جهانی دوم سیاست توسعه خود را مبتنی بر صنایعی بزرگ مانند فولاد و... قرار داد و همزمان صنایع کوچک مقیاس (مانند

مهاجرت‌های روستاییان به شهر جلوگیری کرده است (مشیری و آذرباد، ۱۳۸۶، ۱۸۲).

«نصیری» در تحقیقی با عنوان استقرار واحدهای صنعتی، عاملی تأثیرگذار بر فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع روستایی به مطالعه ۱۰ روستا در شهر بومهن پرداخته است (پنج روستا برخوردار از صنایع و پنج روستا فاقد صنایع). نتایج به دست آمده از این تحقیق با استفاده از روش‌های آماری پارامتریک و ناپارامتریک حاکی از آن است که در دو جامعه، شاخص‌های افزایش درآمد، رضایت و ثبات شغلی، عدم مهاجرت و انگیزه ماندگاری، تغییر در الگوی مصرف، تغییر در ترکیب سنی جمعیت، مشارکت در امور روستا، استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی، سواد، بیمه و کمیت مساکن روستایی تفاوت معناداری از لحاظ آماری با هم دارند (نصیری، ۱۳۸۷، ۱۳۳-۱۰۹).

«سرورامینی و همکاران» به بررسی و شناخت اثرات مثبت و منفی شهرک صنعتی اشتهارد بر روستاهای پیرامون پرداختند. جامعه آماری این تحقیق را روستاییان ساکن در روستاهای اطراف شهرک صنعتی اشتهارد و کارفرمایان واحدهای صنعتی مستقر در شهرک صنعتی تشکیل داده‌اند. نتایج تحلیل عاملی اثرات مثبت شهرک صنعتی اشتهارد در منطقه نشان داد که عامل اثرات اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، کشاورزی و زیست محیطی در مجموع ۶۵/۹۸ درصد کل واریانس را تبیین می‌کنند. اثرات منفی شهرک صنعتی اشتهارد نیز در منطقه شامل ۴ عامل اثرات اجتماعی، اقتصادی، کشاورزی و زیست محیطی ۶۳/۱۵۹ درصد از واریانس را تبیین می‌کنند (سرورامینی و همکاران، ۱۳۸۹، ۲۳۸-۲۲۷).

پرداخته‌اند که نتایج ارزیابی شاخص‌های کمی و کیفی توسعه در این منطقه حاکی از موفقیت نسبی صنایع روستایی بویژه قالیبافی و پیوند عمیق آن با زندگی روستایی است که در جذب نیروی کار مازاد، پر کردن اوقات فراغت و بهبود درآمد روستاییان نقش زیادی داشته است. بنابراین، در شرایط کنونی صنایع دستی به ویژه قالیبافی و نیز صنایع کارخانه‌ای با توجه به توان‌های محیطی و انسانی، تولیدات زراعی، باغی، دامی و منابع معدنی قادرند در حفظ تعادل اقتصادی و اجتماعی ناحیه اثرات مثبتی داشته باشند و بدین ترتیب با ایجاد اشتغال پایدار و درآمد کافی، فرایند توسعه روستایی بخش مرکزی را تسهیل نمایند (مرادی و مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۴، ۱۴۶-۱۳۷).

«مطیعی لنگرودی و نجفی کانی» در بررسی و ارزیابی اثرات شهرک‌ها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی، اجتماعی مناطق روستایی شهرستان بابل، به این نتیجه رسیدند که بین شاخص‌های توسعه اعم از الگوی مصرف (خوراک، پوشاک و کالاهای مصرفی)، مسکن، بیمه، رضایت و امنیت شغلی، آموزش و انگیزه ماندگاری در روستاهای دارای صنایع در مقایسه با روستاهای فاقد آن، تفاوت معناداری وجود دارد (مطیعی و نجفی کانی، ۱۳۸۵، ۱۶۵-۱۴۷).

«مشیری و آذرباد» پیامدهای استقرار نواحی صنعتی در مناطق روستایی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. مطالعه موردی این تحقیق روستای کمرد در دهستان سیهرود شهرستان تهران است. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که استقرار صنعت در این ناحیه با تقویت بنیان‌های اقتصادی، اشتغال زایی و جذب نیروی کار و سرمایه‌های اندک منجر به بهره‌برداری از منابع و مهارت‌های محلی شده و با شکستن دور باطل فقر از

رضوانی و همکاران، در تحقیقی با عنوان تحلیل اثرات اجتماعی- اقتصادی نواحی صنعتی در توسعه نواحی روستایی به مطالعه ناحیه صنعتی سلیمان آباد تنکابن پرداخته‌اند، نتیجه به دست آمده بیانگر ارتقاء کلی شاخص‌های اجتماعی- اقتصادی روستاییان شاغل پس از ایجاد ناحیه صنعتی بوده که آثار مثبتی در زمینه بیمه اجتماعی، اشتغال و درآمد، مشارکت، توسعه مسکن، تغذیه و رفاه اجتماعی به همراه داشته است (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹، ۲۶-۵).

۱-۵- سوالات تحقیق

در این پژوهش دو سوال اساسی مطرح شده است:
 ۱-۵-۱- استقرار شهرک صنعتی و ورود فعالیت‌های صنعتی در نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان مینودشت چه پیامدهایی در ابعاد اقتصادی و اجتماعی زندگی روستاییان شاغل در صنعت داشته است؟

۱-۵-۲- فعالیت‌های صنعتی این شهرک از نظر کالبدی و محیطی چه پیامدهایی در نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان مینودشت داشته است؟

۱-۶- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و تکمیل پرسشنامه توسط روستاییان شاغل در فعالیت‌های شهرک صنعتی شهرستان مینودشت، مصاحبه با مدیریت شهرک و مشاهدات مستقیم و منظم گردآوری شد. ناحیه مورد مطالعه در این تحقیق، روستاهای بخش مرکزی شهرستان مینودشت واقع در

شرق استان گلستان می باشد. در این پژوهش سعی شده است پیامدهای فضایی استقرار شهرک صنعتی در نواحی روستایی، مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. جامعه آماری مورد مطالعه، آن دسته از روستاییان بخش مرکزی شهرستان مینودشت هستند که در این شهرک شاغل‌اند. بر این اساس؛ و با توجه به تعداد این افراد که ۱۶۱ نفر هستند، با استفاده از فرمول نمونه گیری کوکران، حجم نمونه ۱۱۴ نفر برآورد شده که در مرحله بعد به صورت تصادفی نمونه‌ها انتخاب شدند. از این تعداد ۷۷ نفر (۶۷/۵ درصد) مرد و ۳۲ نفر (۳۲/۵ درصد) زن بوده‌اند. همچنین میانگین سنی نمونه آماری مورد مطالعه حدود ۳۰ سال بوده و ۷۲/۸ درصد از این افراد متأهل و ۲۷/۲ درصد مجرد بودند. علاوه بر این، ۲۴/۶ درصد این شاغلین به صورت دائم و مابقی به صورت موقت استخدام شده‌اند.

داده‌های حاصل از پرسشنامه در نهایت با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون‌های ناپارامتری ویلکاکسون و مک نمار مورد تحلیل قرار گرفت.

۱-۷- محدوده مورد مطالعه

شهرک صنعتی شهرستان مینودشت در حال حاضر ۲۲ واحد صنعتی در حال بهره برداری، ۷ واحد در حال ساخت و مساحتی حدود ۳۴ هکتار دارد. از لحاظ موقعیتی می‌توان گفت که این شهرک بین شهر مینودشت و یک ناحیه روستایی قرار دارد به گونه‌ای که در اطراف شهرک تعداد زیادی روستا وجود دارد و این روستاها بخش قابل توجهی از شاغلین شهرک را تامین می‌کند (نقشه شماره ۱). بنا به گفته مدیریت

(مصاحبه با مدیریت شهرک صنعتی مینودشت، ۱۳۸۹). عمده کارکنان شهرک بدون مهارت هستند که با توجه به آموزش‌هایی که به آنان داده می‌شود به سمت کارگران نیمه ماهر سوق داده شده‌اند. هم‌اکنون ۴۲۲ نفر به طور ثابت و بیمه شده و ۲۳۱ نفر به صورت روزمزد در این شهرک مشغول به کار هستند؛ همچنین حدود ۳۰۰ نفر از مجموع افرادی که در شهرک شاغل‌اند، روستایی هستند که از این تعداد ۱۶۱ نفر در بخش مرکزی مینودشت سکونت دارند (جدول ۱).

شهرک صنعتی، ۴/۵ هکتار فضای سبز برای این شهرک پیش بینی شده است. همچنین مجتمع دارای سیستم تسویه فاضلاب می‌باشد که آب تسویه شده آن، برای آبیاری فضای سبز و استفاده در واحدهای صنعتی به کار می‌رود. از نظر صنایع، بیش از ۹۰ درصد آن صنایع تبدیلی و از نوع صنایع غذایی می‌باشند. ارتباط صنایع تبدیلی با نواحی روستایی از طریق بخش تعاونی و واسطه‌گران شهری برقرار می‌شود. مواد اولیه این صنایع با توجه به ماهیت آن، از نواحی روستایی این شهرستان تامین می‌شود

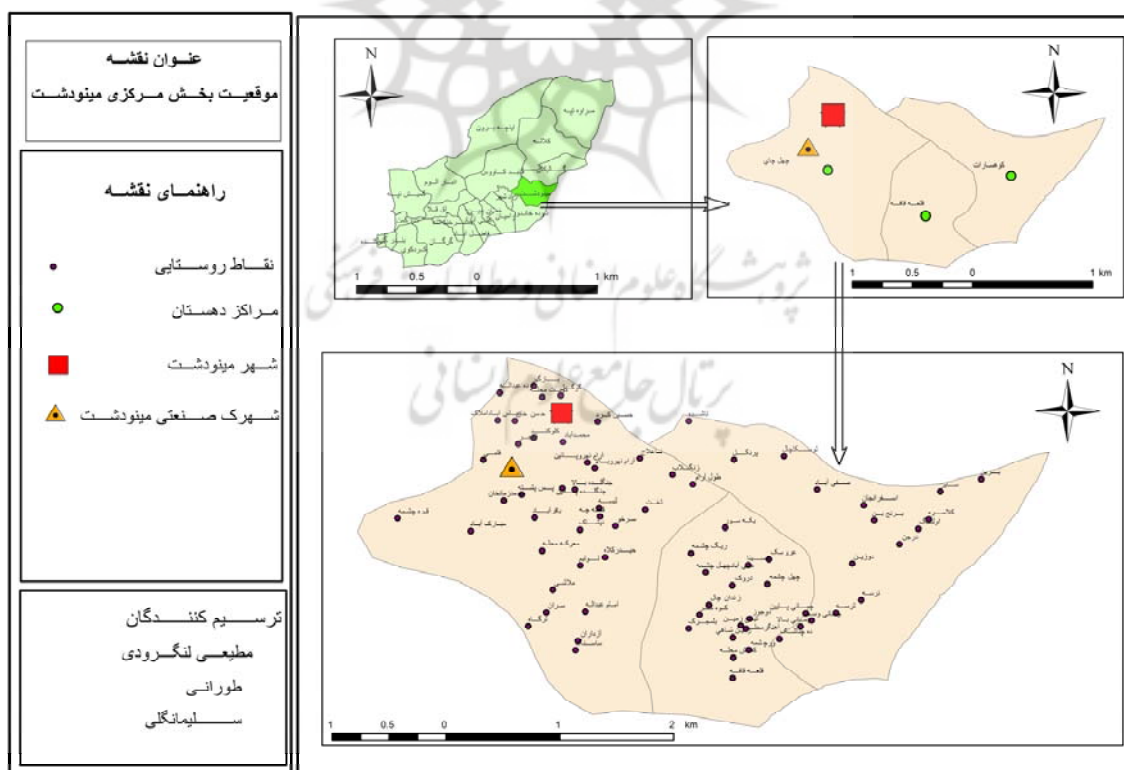
جدول ۱- وضعیت واحدهای مستقر در شهرک صنعتی مینودشت

ردیف	نام واحد	تعداد نفرات شاغل ثابت	تعداد نفرات شاغل روزمزد	مجموع شاغلان	تعداد وضعیت بهره برداری
۱	جهان نوش ۱ و ۲	۲۰	۵۰	۷۰	بهره بردار
۲	دشت طوبی	۳۷	۳۰	۶۷	بهره بردار
۳	خوراک دام مینو صبا	۲۷	۰	۲۷	بهره بردار
۴	مینو دوش	۱۲	۰	۱۲	بهره بردار
۵	رمه گلستان	۱۱	۰	۰	بهره بردار
۶	مینوساب سیم	۰	۰	۰	در حال ساخت
۷	بامداد شیر	۰	۰	۰	بهره بردار
۸	سردار گلستان	۱	۰	۱	بهره بردار
۹	پلاست فجر	۴۷	۰	۴۷	بهره بردار
۱۰	شیلان برنج	۲۳	۴۰	۶۳	بهره بردار
۱۱	افتخار گلستان ۱ و ۲	۱۰۷	۲۰	۱۲۷	بهره بردار
۱۲	نگین گلستان	۱۹	۵	۲۴	بهره بردار
۱۳	آذر نو	۴۹	۰	۴۹	بهره بردار
۱۴	صنایع چوب شیردل	۵	۳	۸	بهره بردار
۱۵	آذین پلاستیک ۱ و ۲	۴	۰	۴	بهره بردار
۱۶	همت شیر	۶	۱۲	۱۸	بهره بردار
۱۷	همانند تک گستر	۳	۱۲	۱۵	نصب دستگاه
۱۸	پویندگان پردیس	۲	۴	۶	نصب سوله

ادامه جدول ۱- وضعیت واحدهای مستقر در شهرک صنعتی مینودشت

بهره بردار	۱	۶	۵	۱	سردار جنگل	۱۹
در حال ساخت	۱	۳۱	۳۰	۱	نیلیبرگ	۲۰
نصب دستگاه	۱	۲۰	۲۰	۰	شیر فجر مینودشت	۲۱
بهره بردار	۱	۴	۰	۴	مقصودی	۲۳
بهره بردار	۱	۲۴	۰	۲۴	شیردل	۲۴
بهره بردار	۱	۶	۰	۶	غفار پور	۲۵
بهره بردار	۱	۲	۰	۲	شریفی	۲۶
بهره بردار	۱	۱	۰	۱	نظزلوئی	۲۷
نصب دستگاه	۱	۱	۰	۱	طباطبایی	۲۸
نصب سوله	۱	۱	۰	۱	محمودی	۲۹
-	۱	۷	۰	۷	تصفیه خانه و امور اداری	۳۰

مأخذ: شهرک صنعتی مینودشت، ۱۳۸۹



شکل ۱- نقشه موقعیت بخش مرکزی شهرستان مینودشت

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۹

۲- مفاهیم، دیدگاه‌ها و نظریه‌ها

صنعت شامل کلیه فعالیت‌هایی است که منجر به تغییر شکل فیزیکی و شیمیایی مواد مختلف و تبدیل آن‌ها به محصولات جدید صنعتی می‌شود، اعم از اینکه این تغییرات به وسیله دست یا ماشین در کارخانه‌ها و یا در منازل انجام گیرد (رحیمی، ۱۳۸۳، ۲) بدین ترتیب فرایند تبدیل ماده اولیه به محصول، کالا و خدمات که متضمن ارزش افزوده نیز باشد صنعت گفته می‌شود (ملک محمدی، ۱۳۷۶، ۲۶۶). صنعتی سازی، صنعتی کردن و یا صنعتی شدن به معنی دگرگونی تکنولوژی به منظور ارائه کیفیت زندگی بهتر برای نسل فعلی و آینده است (Hag, 1994: 107). همچنین گفته می‌شود، صنعتی شدن موجب تغییر ساختار اقتصاد و بینش مردم شده و اشتغال و بهره‌وری را افزایش می‌دهد (Yousefi, 1995: 15). ورود فعالیتهای صنعتی به همراه خود بازتابهای مختلفی خواهد داشت، همچنان که این فعالیتها ممکن است با ایجاد مشاغل جدید، موجب جذب نیروی کار از روستاها و شهرهای پیرامون شود، می‌تواند با ایجاد واحدهای جدید موجب تخریب اراضی زراعی اطراف شهرها و روستاها گردد. این در حالی است که بسیاری از کارشناسان توسعه همجواری صنعت با فعالیتهای سنتی روستا را توجیه می‌کنند (قره‌نژاد، ۱۳۷۱، ۱۱۰). با ایجاد و تکمیل نواحی صنعتی می‌توان به مهمترین موانع در راه ایجاد صنعت در روستاها، یعنی تهیه زمین مناسب و ارزان و تهیه امکانات زیربنایی جهت سرمایه‌گذاران و کارآفرینان خاتمه داد (معاونت

عمران و صنایع روستایی، ۱۳۷۸، ۳). از این رو، صنعتی شدن روستایی به عنوان قسمتی از سیاست توسعه همه جانبه روستایی، که قادر است با ایجاد فرصت‌های شغلی و نیز با تامین نیازهای اساسی جمعیت روستایی گامی در جهت توسعه روستایی باشد، معرفی شده است. (Unido, 1991: 17)

بر اساس این دیدگاه، سه الگو در راستای کمک به صنعتی شدن مناطق روستایی وجود دارد: - احداث کارخانه‌های بزرگ در نزدیکی روستاها که مواد مورد نیاز خود را از محصولات کشاورزی روستایی در منطقه تامین می‌کنند؛ - حفاظت و تشویق صنایع دستی و محصولات صنعتگران محلی؛ - تشویق به ایجاد واحدهای کوچک که محصولات کشاورزی را فراوری نموده و یا برخی از نهادهای کشاورزی را تعمیر و یا تولید می‌کند (Misra, 1985: 3).

در ایران سابقه توسعه صنعت در نواحی روستایی به برنامه اول توسعه بر می‌گردد. در این برنامه یکی از اهداف شانزده گانه فصل کشاورزی و آبیاری، تشویق و توسعه صنایع روستایی بود. با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جهاد سازندگی، تقویت صنایع روستایی مورد توجه جدی قرار گرفت به طوری که در طول برنامه اول توسعه، اقدامات زیربنایی لازم برای ۳۳ ناحیه صنعتی روستایی در کشور انجام شد. همچنین در برنامه‌های بعدی توسعه نیز یکی از راهکارهای توسعه و عمران روستایی، توجه به صنایع روستایی بوده است (رضوانی، ۱۳۸۳، ۱۰۱) بر این مبنا، احداث شهرکها و مجتمع‌های صنعتی مورد توجه

مختلف اقتصادی، اجتماعی و کالبدی - محیطی پرداخته شده است.

قرار گرفت. شرکت شهرک‌های صنعتی ایران هدف از ایجاد این شرکت‌ها را به شرح زیر بیان نموده است:

- برانگیختن توسعه صنعتی بویژه صنایع کوچک؛
- مدرنیزه کردن کارگاه‌های صنعتی؛

- افزایش بازدهی کار تولیدی و کارایی اقتصادی واحدهای صنعتی؛

- ایجاد تعادل بین مناطق پیشرفته و عقب افتاده؛

- استفاده از منابع طبیعی و مواد اولیه محلی؛

- اجرای سیاست توزیع جمعیت و اشتغال در بخش صنعت؛

- مسائل دفاعی و امنیتی (منشی زاده و تسلیمی پور، ۱۳۸۳، ۹۶).

۳-۱- بعد اقتصادی

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می شود، یافته‌های تحقیق نشان می دهد که ۵۱/۹ درصد پاسخ دهندگان قبل از اشتغال در این شهرک در بخش کشاورزی، ۸/۶ درصد در بخش صنعت، ۱۶/۷ درصد در بخش خدمات مشغول به کار بوده‌اند. همچنین ۲۲/۸ درصد از این افراد قبلاً بیکار بوده‌اند که این آمار در زمینه جذب بیکاران جالب به نظر می‌رسد، به ویژه اگر توجه بیشتری به جنسیت استخدام شده گان داشته باشیم، مشاهده می‌شود که اکثریت این افراد زن بوده‌اند و در کل با توجه به مجموع شاغلین زن در این شهرک (۳۱/۶ درصد) می‌توان به این نکته اذعان کرد که صنایع تبدیلی موجود در این شهرک توان اشتغال زایی نسبتاً بالایی را در این زمینه از خود نشان داده است.

۳- یافته‌های تحقیق

در این قسمت با توجه به سوالات تحقیق، به بررسی پیامدهای فضایی استقرار فعالیت‌های صنعتی در قالب شهرک صنعتی در ناحیه مورد مطالعه در ابعاد

جدول ۲- فعالیت قبل از اشتغال در شهرک صنعتی

زن		مرد		مرد و زن		وضعیت اشتغال قبل از فعالیت در شهرک صنعتی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۶/۹۵	۱۰	۸۳/۰۵	۴۹	۵۱/۷۵	۵۹	کشاورزی
۳۰	۳	۷۰	۷	۸/۱۸	۱۰	صنعت
۳۶/۸۴	۷	۶۳/۱۶	۱۲	۱۶/۶۷	۱۹	خدمات
۸۰/۷۷	۲۱	۱۹/۲۳	۵	۲۲/۸۰	۲۶	بیکار
۳۵/۹۶	۴۱	۶۴/۰۴	۷۳	۱۰۰	۱۱۴	جمع

مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۳۸۹

اکثریت افرادی که قبل از اشتغال در فعالیت‌های صنعتی این شهرک، شاغل بوده‌اند با توجه به اینکه کشاورزی شغل اول ساکنین نواحی روستایی این شهرستان به حساب می‌آید، در این بخش از اقتصاد مشغول به کار بوده‌اند. از ۵۹ نفری که در بخش کشاورزی مشغول بوده‌اند، تعداد ۳۴ نفر از آنها فعالیت قبلی خود را رها کرده و ۲۵ نفر دیگر در کنار اشتغال در شهرک صنعتی به کشاورزی نیز ادامه داده‌اند. جدول ۳ نشان دهنده دلایل رها کردن کشاورزی پس

از اشتغال در صنعت توسط روستاییان است. نداشتن بازنشستگی، بیمه، عدم امنیت شغلی، سختی شرایط کار و همچنین پایین بودن سطح درآمد از مهم‌ترین این دلایل بوده است، ضمن این که داشتن تخصص بیشتر در بخش صنعت در رتبه دهم یعنی در اولویت آخر دلایل اساسی رها نمودن فعالیت کشاورزی قرار گرفته است، که این خود می‌تواند موید آن باشد که اکثر افرادی که در فعالیت‌های صنعتی جذب شده‌اند کارگر ساده و بی مهارت بوده‌اند.

جدول ۳- عوامل موثر در رها نمودن فعالیت کشاورزی پس از اشتغال در صنایع

رتبه	میانگین ارزش گویه‌ها	فراوانی					گویه‌ها
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۶	۲/۹۴	۴	۹	۸	۷	۶	در اختیار نداشتن زمین شخصی
۷	۲/۸۲	۳	۷	۱۱	۷	۶	کم بودن مساحت زمین تحت اختیار
۸	۲/۷۳	۵	۳	۸	۱۴	۴	تکه تکه بودن اراضی تحت اختیار
۵	۳/۳۲	۷	۸	۱۲	۳	۴	پایین بودن سطح درآمد در بخش کشاورزی
۴	۳/۴۴	۷	۱۰	۱۱	۳	۳	سخت بودن شرایط کار
۳	۳/۵	۶	۱۳	۹	۴	۲	نبود امنیت شغلی
۲	۳/۷۳	۱۱	۹	۱۰	۲	۲	نداشتن بیمه
۱	۳/۷۶	۱۲	۱۰	۷	۲	۳	نداشتن بازنشستگی
۹	۲/۶۱	۳	۵	۱۲	۱۰	۴	عدم علاقه به فعالیت در بخش کشاورزی
۱۰	۲/۲۱	۲	۴	۶	۱۳	۹	داشتن تخصص بیشتر در بخش صنعت

مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۳۸۹

جدول ۴ تغییرات مولفه‌های اقتصادی را در دو دوره قبل و بعد از استقرار شهرک صنعتی در ناحیه مورد مطالعه نشان می‌دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که افزایش میزان درآمد، پس انداز و به همراه آن رضایت و امنیت شغلی از جمله پیامدهای مهم استقرار

فعالیت‌های صنعتی در ناحیه مورد مطالعه است. آزمون ویلکاکسون در مورد این مولفه‌ها، تفاوت معناداری را در سطح ۰/۰۱ در دو زمان قبل و بعد از ایجاد شهرک صنعتی در این شهرستان نشان می‌دهد. در زمینه میزان خرید مایحتاج از شهر تفاوت معناداری دیده نشد.

جدول ۴- آزمون تغییرات مولفه‌های اقتصادی در دوره قبل و بعد از استقرار شهرک صنعتی

مولفه	رتبه	Z میزان	سطح معناداری
میزان درآمد	رتبه‌های منفی = ۲۱	-۵/۲۵۹	***/۰/۰۰۰
	رتبه‌های مثبت = ۶۸		
	رتبه‌های برابر = ۲۵		
میزان پس انداز	رتبه‌های منفی = ۲۷	-۴/۷۱۲	***/۰/۰۰۰
	رتبه‌های مثبت = ۶۵		
	رتبه‌های برابر = ۲۲		
رضایت شغلی	رتبه‌های منفی = ۳۱	-۳/۶۱۵	***/۰/۰۰۰
	رتبه‌های مثبت = ۵۹		
	رتبه‌های برابر = ۲۴		
امنیت شغلی و کاهش استرس و فشارهای روحی از این بابت	رتبه‌های منفی = ۴۲	-۲/۹۴۸	***/۰/۰۰۳
	رتبه‌های مثبت = ۲۱		
	رتبه‌های برابر = ۵۱		
میزان خرید مایحتاج از شهر	رتبه‌های منفی = ۲۰	۰/۷۱۳	۰/۴۷۶
	رتبه‌های مثبت = ۳۲		
	رتبه‌های برابر = ۶۲		

منبع: نگارندگان، ۱۳۸۹، ** معناداری در سطح ۰/۰۱

وجود ندارد، حال آنکه در مورد مولفه‌هایی مانند تلویزیون رنگی و ماشین شخصی در سطح ۰/۰۵ و مولفه‌هایی مانند داشتن کامپیوتر، تلفن ثابت و همراه، ماشین لباس شویی، مسکن شخصی و همچنین دارا بودن بیمه، تفاوت‌های معناداری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد (جدول ۵).

برای تعیین تفاوت الگوی مصرف و کیفیت زندگی شاغلین روستایی شهرک صنعتی در دو دوره قبل و بعد از اشتغال در واحدهای صنعتی از آزمون ناپارامتری مک نمار استفاده شده است. نتایج بدست آمده از این آزمون بیانگر آن است که در زمینه داشتن یخچال، بخاری و اجاق گاز تفاوت معناداری بین دوره‌های قبل و بعد از اشتغال در شهرک صنعتی

جدول ۵- وضعیت الگوی مصرف و کیفیت زندگی در قبل و بعد از اشتغال در شهرک صنعتی

مولفه‌ها	قبل از اشتغال	بعد از اشتغال	سطح معناداری
تلویزیون رنگی	۹۲	۱۰۲	*۰/۰۱۲
	۲۲	۱۲	
یخچال	۹۰	۹۴	۰/۷۹۱
	۲۴	۲۰	
کامپیوتر	۲۵	۴۶	**۰/۰۰۰
	۸۹	۶۸	
تلفن ثابت و همراه	۷۲	۹۵	**۰/۰۰۰
	۴۲	۱۹	
ماشین لباس شویی	۵۰	۷۶	**۰/۰۰۰
	۶۴	۳۸	
بخاری	۹۴	۹۹	۰/۱۲۵
	۲۰	۱۵	
اجاق گاز	۹۵	۹۸	۰/۸۴۹
	۱۹	۲۰	
ماشین شخصی	۱۱۸	۲۸	**۰/۰۰۰
	۹۶	۸۶	
مسکن شخصی	۴۳	۵۹	**۰/۰۰۰
	۷۱	۵۵	
وضعیت بیمه	۱۵	۷۶	**۰/۰۰۰
	۹۹	۳۸	

مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۳۸۹ * معناداری در سطح ۰/۰۵ ** معناداری در سطح ۰/۰۱

۲-۳- بعد اجتماعی

برای ارزیابی پیامدهای اجتماعی ناشی از استقرار شهرک صنعتی در یک ناحیه کاملاً روستایی و یا در واقع تغییرات اجتماعی حاصل از اشتغال روستاییان در

فعالیت‌های صنعتی، پنج مولفه در نظر گرفته شد که با استفاده از آزمون ناپارامتری ویلکاکسون مورد سنجش قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد در دو مولفه وضعیت مشارکت در امور مربوط به روستا و بهبود وضعیت بهداشت و درمان تفاوت‌های معناداری در سطح ۰/۰۵

بنابراین، می‌توان گفت که اشتغال روستاییان در بخش صنعت، توانسته است تا حدود زیادی در بهبود وضعیت اجتماعی زندگی ایشان، موثر و مفید واقع شود (جدول ۶).

و در میزان تمایل برای ادامه زندگی در روستا و وضعیت مسافرت و تفریح تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۱ در دوره قبل و بعد از اشتغال در واحدهای صنعتی وجود دارد، و تنها در مورد سطح سواد و تمایل به ادامه تحصیل تفاوت معناداری دیده نشد.

جدول ۶- آزمون تغییرات مولفه‌های اجتماعی در دوره قبل و بعد از استقرار شهرک صنعتی

مولفه	رتبه	میزان Z	سطح معناداری
سطح سواد و تمایل به ادامه تحصیل	رتبه‌های منفی=۱۴	-۱/۶۹۱	۰/۰۹۱
	رتبه‌های مثبت=۶		
	رتبه‌های برابر=۹۴		
میزان تمایل برای ادامه زندگی در روستا	رتبه‌های منفی=۱۲	-۲/۷۹۸	***۰/۰۰۵
	رتبه‌های مثبت=۳۱		
	رتبه‌های برابر=۷۱		
وضعیت مشارکت در امور مربوط به روستا	رتبه‌های منفی=۱۱	-۲/۵۱۰	**۰/۰۱۲
	رتبه‌های مثبت=۳۷		
	رتبه‌های برابر=۶۵		
وضعیت مسافرت و تفریح	رتبه‌های منفی=۴۴	-۳/۰۴۹	***۰/۰۰۲
	رتبه‌های مثبت=۱۸		
	رتبه‌های برابر=۵۲		
وضعیت بهداشت و درمان	رتبه‌های منفی=۳۳	-۲/۲۷۲	**۰/۰۲۳
	رتبه‌های مثبت=۲۰		
	رتبه‌های برابر=۶۱		

مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۳۸۹ * معناداری در سطح ۰/۰۵ *** معناداری در سطح ۰/۰۱

است. این تغییرات معمولاً با فاصله گرفتن از مکان استقرار این فعالیت‌ها کاهش می‌یابد، بنابراین، می‌توان گفت در اکثر موارد سکونتگاه‌های اطراف نواحی

۳-۳- بعد محیطی - کالبدی

یکی از مهمترین پیامدهایی که فعالیت‌های صنعتی از خود به جای می‌گذارند، تغییرات محیطی - کالبدی

صنعتی و یا نزدیک‌تر به آن، با تغییرات گوناگون و بعضاً شدید در فضای کالبدی و محیطی خود مواجه می‌شوند. از این رو، ارزیابی تغییرات محیطی و کالبدی در نواحی اطراف مجتمع‌های صنعتی از جمله مهم‌ترین مراحل ارزیابی فضایی پیامدهای استقرار فعالیت‌های صنعتی است. از همین رو در این قسمت به بررسی این پیامدها پرداخته شده است. با استناد به جدول ۷ و مشاهدات مستقیم و منظم صورت گرفته، آلودگی هوا به ویژه ایجاد بوی بد و آزار دهنده ناشی از پسماندهای واحدهای صنعتی در رتبه اول این پیامدها قرار دارد. از آنجایی که این صنایع عمداً در

مجاورت یکی از جاده‌های پر تردد روستایی ناحیه مورد مطالعه قرار دارد، می‌توان گفت که وضعیت نامناسب زیست محیطی را به وجود آورده است. همچنین از نگاه پاسخ دهندگان تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی مرغوب و تغییر در چشم اندازهای محیطی از دیگر پیامدهای منفی استقرار شهرک صنعتی بر نواحی روستایی به شمار می‌رود. همان‌طور که در جدول نیز مشاهده می‌شود در زمینه ایجاد فضای سبز، علی‌رغم پیش بینی ۴/۵ هکتار به این امر، اقدام چندان موثری صورت نگرفته است.

جدول ۷- پیامدهای محیطی - کالبدی شهرک صنعتی بر نواحی اطراف

رتبه	میانگین ارزش گویه‌ها	فراوانی					گویه‌ها
		خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	خیلی کم	
۴	۲/۷۵	۴	۲۱	۴۸	۲۳	۱۸	آلودگی صوتی
۱	۴/۰۲	۴۳	۳۷	۲۷	۵	۲	آلودگی هوا (به ویژه ایجاد بوی بد و آزار دهنده در اطراف شهرک)
۶	۱/۸۷	۲	۸	۱۸	۳۲	۵۴	آلودگی منابع آب اطراف شهرک
۲	۳/۰۷	۱۲	۲۸	۴۱	۲۲	۱۱	تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی مرغوب
۵	۱/۹۴	۴	۲۲	۴۶	۴۰	۴۰	انباشتگی زباله و نخاله‌ها در اطراف شهرک
۳	۲/۷۶	۷	۲۶	۳۸	۲۲	۲۱	تغییر در چشم اندازهای محیطی
۷	۱/۵۴	-	۳	۱۱	۳۲	۶۸	ایجاد فضای سبز

مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۳۸۹

کاهش هزینه‌های تولید و زنجیره ای کردن فعالیت‌های تولیدی توسعه و رشد آتی را در منطقه در پی داشته باشد، انجام می‌شود. بدون تردید صنعتی شدن یک تصمیم سرنوشت ساز در زمینه توسعه اقتصادی، اجتماعی کشورهای جهان سوم است و ضرورتی غیر

۴- نتیجه گیری

ایجاد نواحی صنعتی مانند شهرک‌ها و مجتمع‌های صنعتی با هدف تمرکز حساب شده صنایع به نحوی که نیازمندی‌های ناحیه، منطقه و حتی کشور را برطرف نماید و با صرفه جویی‌های ناشی از تجمع و

قابل انکار می باشد. تعیین مکان مناسب صنعت نقش مهمی در موفقیت آن و در توسعه و تحول ناحیه مورد استقرار ایفا می کند. ایجاد و استقرار صحیح این فعالیت‌های صنعتی در نواحی روستایی اگر در چارچوب ضوابط و اصول منطقی باشد می تواند به عنوان یک استراتژی مهم توسعه روستایی زمینه ساز تحولات و پیشرفت‌هایی در ابعاد مختلف فضای روستاها گردد و عدم رعایت این ضوابط و اصول ممکن است موجب آسیب‌های جبران ناپذیری شود.

یافته‌های به دست آمده در این تحقیق نشان می‌دهد که استقرار شهرک صنعتی در ناحیه مورد مطالعه، پیامدها و تغییرات مختلفی به جای گذاشته است. ایجاد اشتغال و کسب درآمد برای تعدادی از روستاییان به طور مستقیم از جمله آثار مثبت این شهرک می باشد؛ همچنین با توجه به ماهیت صنایع و این که عمده صنایع از نوع تبدیلی و در راستای فعالیت‌های کشاورزی منطقه هستند می‌توان بیان کرد که این شهرک در ایجاد اشتغال و درآمد غیر مستقیم

در نواحی روستایی دارای نقش موثر می باشد. هم اکنون حدود ۳۰۰ نفر از مجموع افرادی که در شهرک شاغل اند، ساکن نواحی روستایی می باشند که از این تعداد ۱۶۱ نفر در بخش مرکزی مینودشت سکونت دارند. بر اساس نتایج یافته‌های تحقیق و با توجه به آزمون‌های آماری صورت گرفته در زمینه مقایسه وضعیت اقتصادی روستاییان شاغل در شهرک در دو دوره قبل و بعد از اشتغال در بخش صنعت، بیانگر این

مطلب است که تفاوت معناداری در مولفه‌های میزان درآمد و پس انداز و همچنین رضایت و امنیت شغلی در دو دوره وجود دارد. ضمن آنکه مقایسه مولفه‌های مربوط به الگوی مصرف و کیفیت زندگی نیز تفاوت‌های معناداری را در دو دوره قبل و بعد از اشتغال در فعالیت‌های صنعتی نشان می دهد. همچنین در بعد اجتماعی نیز تفاوت‌های معناداری در مورد مولفه‌های تمایل به ادامه زندگی در روستا، وضعیت تفریح و گردش، مشارکت در امور مربوط به روستا و وضعیت بهداشت و درمان مشاهده شد. همچنین از جمله مهمترین پیامدهای محیطی - کالبدی استقرار شهرک صنعتی در نواحی روستایی، آلودگی هوا بویژه بوی بد و آزار دهنده ناشی از پسماندهای واحدهای صنعتی که در مجاورت راه روستایی قرار دارند، تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی و تغییر چشم اندازهای محیطی بوده است.

۵- پیشنهادها

در راستای موفقیت هرچه بیشتر نواحی صنعتی روستایی و کاهش آثار و پیامدهای منفی آن در ابعاد مختلف فضایی، پیشنهادات زیر مطرح می‌گردد:

۱-۵- مکان‌یابی مناسب شهرک صنعتی به طوری که ضمن دسترسی به مواد اولیه، بازار مصرف و راههای ارتباطی و ... ، در زمین‌های کشاورزی درجه یک و مرغوب واقع نگردد؛ در صورت قرار داشتن این شهرک‌ها در زمین‌های کشاورزی مرغوب، باید از

قادر به جذب سرمایه‌های اندک روستاییان باشد. در این راستا می‌توان با اعطای امتیازات و اعتبارات مخصوص روستاییان، کارآفرینان روستایی را ترغیب به سرمایه‌گذاری در صنایع روستایی نمود؛

۵-۵- ایجاد مراکز تحقیقاتی در شهرک‌های صنعتی و همچنین ایجاد مراکز آموزشی در جهت آموزش و افزایش میزان مهارت و اشتغال کارگران صنعتی و روستاییان مایل به فعالیت در بخش صنعت؛ از آنجا که اکثر روستاییان شاغل در واحدهای صنعتی در ناحیه مورد مطالعه از نوع کارگر ساده هستند، بنابراین، ارائه آموزش‌های تخصصی به این افراد منجر به افزایش سطح بهره‌وری در تولید صنایع و همچنین سطح درآمدی روستاییان می‌شود. در این راستا پیشنهاد می‌شود سازمان فنی و حرفه‌ای کشور اقدام به برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه برای روستاییان مایل به اشتغال در بخش صنعت و ارائه مدرک به ایشان نموده تا ضمن توانمندی هرچه بیشتر این افراد، زمینه اشتغال ثابت آنها در بخش صنعت فراهم شود؛

۶-۵- فعالیت شهرک‌های صنعتی در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و ورزشی (مانند ایجاد مدارس، سالن‌های ورزشی و ...)

۷-۵- ایجاد امکانات رفاهی و خدماتی در جهت ارائه خدمات به کارکنان شهرک و نواحی روستایی اطراف (مانند مراکز بهداشتی-درمانی، آتش‌نشانی، خدمات حمل و نقل و ...)

۸-۵- ارزیابی مداوم عملکرد شهرک‌ها و نواحی صنعتی روستایی در ابعاد مختلف فضایی به منظور

توسعه افقی شهرک خودداری شود. از این رو با توجه به اینکه شهرک صنعتی مینودشت در ناحیه‌ای با زمین‌های مرغوب کشاورزی واقع شده است، لازم است به این مهم توجه شود؛

۲-۵- رعایت و توجه به اصول بهداشتی و زیست محیطی؛ در منطقه مورد مطالعه، پساب‌های ناشی از فعالیت‌های واحدهای صنعتی بویژه کارخانه لبنیات سازی، باعث ایجاد بوی بد و متعفن در جاده روستایی مجاور گشته و باعث آزار و آسیب روستاییان شده است. بنابراین، مسئولین و کارفرمایان واحدهای صنعتی و کارشناسان امور بهداشتی بایستی ملزم به رعایت اصول و قوانین بهداشتی و زیست محیطی باشند؛

۳-۵- ایجاد و تحکیم روابط و پیوندهای اقتصادی دو سویه و مکمل با فعالیت‌های اقتصادی نواحی روستایی و بازارهای محلی؛ استراتژی صنعتی شدن نواحی روستایی باید دارای جهت‌گیری کشاورزی باشد به طوری که بتواند بین صنایع ایجاد شده و بخش‌های دیگر اقتصاد بویژه کشاورزی پیوندهایی دوسویه و مکمل برقرار نماید. از این رو پیشنهاد می‌شود با توجه به ماهیت عمده فعالیت‌های اقتصادی منطقه که کشاورزی می‌باشد صنایع تبدیلی و غذایی شهرک تقویت و گسترش یابند؛

۴-۵- فراهم کردن بسترهای مشارکت مالی روستاییان در ایجاد نواحی صنعتی روستایی و فعالیت در آن؛ فعالیت‌های شهرک صنعتی مورد مطالعه باید به سمتی حرکت کند که بتواند زمینه سرمایه‌گذاری روستاییان را در این بخش فراهم آورد و یا حداقل

قره نژاد، حسن، (۱۳۷۱)، مقدمه‌ای بر جغرافیای اقتصادی، جهاد دانشگاهی اصفهان، چاپ دوم، ص ۱۱.

محمد، سلیمانی، (۱۳۸۱)، دگرگونی روستاهای حاشیه شهرهای صنعتی جدید: بررسی موردی (الوند-البرز)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۵، اصفهان، ۱۵۰-۱۲۶.

طاهرخانی، مهدی، (۱۳۸۰)، نقش نواحی صنعتی در توسعه روستایی، مطالعه موردی: نواحی صنعتی روستایی استان مرکزی، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۰، تهران، ۴۵-۲۳.

معاونت عمران روستایی، برنامه پنج ساله دوم توسعه روستایی، (۱۳۷۳)، تهران، وزارت جهاد سازندگی، ص ۳.

مطیعی لنگرودی، سیدحسن و علی اکبر نجفی کانی، (۱۳۸۰)، بررسی و ارزیابی اثرات شهرکها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی، نمونه موردی: شهرستان بابل، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۸، تهران، ۱۶ - ۱۴۷.

مطیعی لنگرودی، سیدحسن، (۱۳۸۲)، برنامه‌ریزی روستایی با تاکید بر ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

مطیعی لنگرودی، سیدحسن و محمود مرادی، (۱۳۸۴)، جایگاه صنایع در فرایند صنعتی سازی و توسعه روستایی، بخش مرکزی شهرستان بیرجند، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۳، تهران، صص ۱۴۹-۱۳۷.

رسیدن به اهداف توسعه پایدار در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی.

منابع

افتخاری، رکن الدین و مهدی طاهرخانی، (۱۳۸۱)، استقرار صنعت در روستا و نقش آن در رفاه مناطق روستایی، فصلنامه مدرس، دوره ۶، شماره ۲، تهران، صص ۲۲-۱.

پوراحمد، احمد، طاهرخانی، مهدی و رحمان بابا خانی، (۱۳۸۰)، نقش نواحی صنعتی در اشتغال و کاهش مهاجرت‌های روستایی (مطالعه موردی: ناحیه صنعتی لاسجرد)، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۳، تهران، صص ۵۶-۴۶.

رحمانی، بیژن و محمد میرزایی، (۱۳۸۶)، گسترش صنعت در عرصه های کشاورزی، مطالعه موردی، روستایی ایرج - دهستان رویین - شهرستان اسفراین، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۹، تهران، صص ۸۰-۶۹.

رضوانی، محمدرضا، رمضان زاده لسبویی، مهدی و مرتضی محمدپورجابری، (۱۳۸۹)، تحلیل اثرات اجتماعی-اقتصادی نواحی صنعتی در توسعه نواحی روستایی، نمونه موردی: ناحیه صنعتی سلیمان آباد تنکابن، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۱۸، ۲۶ تهران، ۵-.

سعیدی، عباس، (۱۳۷۷)، مبانی جغرافیای روستایی، تهران، انتشارات سمت، ص ۴.

- Batov, G. (2006). "Development of Rural Industrial Enterprises (The Example of Kabardino-Balkaria)" *Problems of Economic Transition*, vol. 48, no. 10, February 2006, pp. 63–69.
- Choi, H. S. (2001). "Rural Industrialization through science and technology", Institute of industrial science and technology, Korea.
- Foos, O. (1997). "establishment structure, job flows and rural employment", *Rural employment in OECD countries*.
- Hag, S. (1994). "Global industrialization: A Developing country perspective ", industrial ecology and global change, cambridg university-press.
- Hang, Z., Zhang, X., & Zhu, Y. (2008). "The role of clustering in rural industrialization: A case study of the footwear industry in Wenzhou" *China Economic Review* 19, 409–420
- Lee, D. (2001). "Diversification of the rural economy: A case study of on rural industrialization in the Republic Korea", japan program/INDES 2001, Conference - japan.
- Misra, R. P. (1985). *rural industrialization in third world countries*, sterling publishers, new dehli, p.330.
- Misra, R. P., & Achyuta, R. N. (1990). *micro-level rural planning: principle, methods and case study*, concept publishing company, new dehli, p.15.
- Mukherjee, A., & Zhang, X. (2007). "Rural Industrialization in China and India: Role of Policies and Institutions" *World Development* Vol. 35, No. 10, pp. 1621–1634.
- Olayiwola, L. M., & Adeleye, O. A. (2005). "Rural Development and Agro-Industrial Promotion in Nigeria: Concepts, Strategies and Challenges" Department of Urban and Regional Planning, Obafemi Awolowo University Ile-Ife, Nigeria, *J. Soc. Sci.*, 11(1): 57-61
- Parikh, A. (1996). "Impact of rural industrialization on village life and economy, A social Accounting matrix approach" *Economic development and cultural change*. vol44, no2, p.351-377.
- Peng, J., Wang, Y., Jing, J., Chang, Q., & Wu, J. (2007). "Rural industrial structure and landscape diversity: Correlation Research", *International journal of sustainable development, World Ecology*, 14, 268-277.
- Rizwanul, I. (1994). "rural industrialization: an engine prosperity in postreform rural China" *world development*, vol. 22. No. 11, p 1643-1662
- Scott, R. (1994). *Rural Industrialization and Increasing Inequalit.* *Journal of Comparative Economics*, Volume 19, Issue 3, December 1994, Pages 362-391.
- UNIDO. (1991). *Industry and Development" Global report.* No 9. p.487.
- Youscifi, m. (1994). *industrialization and trade policies of OPEC countries.* Deep and Deep new dehli.

Wang, M., Webber. M., Finlayson, B., & Barnett, J. (2008). Rural industries and water pollution in China, Journal of

Environmental Management 86, 648–659.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

Assessment of spatial consequences of establishment of industrial towns in rural areas (case study central part of Minudasht)

S. H. Motiee Langroodi. A. Toorani. R. Soleimangoli

Received: 4 Desember 2010 / Accepted: 14 May 2011, 7-10 P

Extended abstract

1- Introduction

The rural areas are considered as limited geographical regions developed over time from the impacts of human activities on the environment, in one hand, and the effects of external forces on the regions on the other. The rural economy plays an essential role in the location, residence survival, production of wealth, and employment creation. Agricultural activities are as initial foundations of economics in rural areas but today it is essential to pay more attention to non-agricultural activities and seek to find new ways of subsistence based on the rural intrinsic sources. Therefore, since the World War II many developing countries have taken industrialization and establishment of industries in rural areas as industrial towns into account, in order to achieve the social and economic development especially in these areas.

Thus, the objective of this paper is to assess the spatial outcomes of such activities in these areas. The purposes of the study can be stated as following:

- Identification and assessment of social and economic outcomes of the establishment of industrial activities in rural areas of Minudasht as industrial towns.
- Examination of the physical and environmental consequences of the establishment of the industries in the town upon the surrounding rural areas.
- Providing sound suggestions for these activities having in positive effects on the rural areas and to obtain the goals of local and regional development plans in the different spatial dimensions.

Two main questions are stated in the study:

- What outcomes do the establishment of industrial towns and the advent of industrial activities in rural areas have on the lives of the people engaged in the industries?
- What impacts do the industrial activities of these towns have physically and environmentally upon the adjacent rural areas?

S. H. Motiee Langroodi (✉)

Professor of Geography and Rural Planning, University of Tehran,
Tehran, Iran
e-mail: shmotiee@ut.ac.ir

A. Toorani.

M.A of Geography and Rural Planning, University of Tehran, Tehran,
Iran

R. Soleimangoli

M.A of Geography and Rural Planning, Shahid Beheshti University,
Tehran, Iran

The research used Descriptive-Analytic Method and the data of the study was provided from the literature questionnaire asked from rural people engaged in these industries, the interview from the town management and the direct observation. The study area includes the villages in the central part of Minudasht located in the east of the Gorgan City. The population of the study is those people resident in these towns industrial activities. The questionnaire data were analyzed by non parametric Willcoxon Mc Nemar Tests in SPSS Software.

2- Theoretical Bases

Industrialization means the evolution of the technology in order to enhance the quality of life for the present and the future generations. The rural industrialization was introduced as a part of the comprehensive rural development capable of initiating job opportunities and providing rural needs for rural development. In Iran, the development of industry and manufacturing in the form of industrial town and complexes was taken to a large extent into consideration in recent decades. The goal of such towns was expressed by the Enterprise of Industrial Towns: stimulation of industrial development particularly small industries, increasing the productivity and performance of industrial units, modernization of small factories, bringing a balance between the advanced and underdeveloped areas, utilizing the natural resources in the region, performing the policy of population distribution, employment and the security measures.

3- Discussion

Job creation and income generation are some direct influences of these towns. Now, about 300 people of those engaged

in the towns are residing in rural areas and about 161 people live in the central part of Minudasht. Based on the results of the study regarding the economic circumstances of the engaged rural people between the two periods before and after their engagement, there are significant relationships between the amount of income and saving as well as satisfaction and job security. There are such significant differences between the consumption pattern and the quality of lives between these two periods. From social point of view such differences can be observed in the sanction and life satisfaction and recreation. The main environmental and physical effects of the establishment of the industries are air pollution, the annoying odor from the industrial savages and the magnificent changes in agricultural land use and environmental landscapes.

4- Conclusion

Indeed, industrialization is an essential and determining factor in social and economic development in the developing countries of the world. The suitable selection of an industry is important in its success and also in the growth and development of that area. If the selection of areas for the industries is based on the wise rules and principles, it can act as a strategy to prepare that area for development and progress in different rural spatial dimensions; otherwise, it may carry some devastating effects and damage to the area. In the study we indicated that location of the towns had some positive and adverse effects: job creation, increase in income and savings, increase in satisfaction and job security, improvement in quality of life and sanction, rise of the people involvement in the village affairs, and an increase in living in that area. The negative effects

include the air pollution, savages odor and changes in land use and landscapes.

5- Suggestions

5-1- Proper selection of the location for the industries and avoiding their development in fertile lands;

5-2- Considering the environmental measures;

5-3- Creation and expansion of two way ties with the surrounding rural areas and local markets;

5-4- Providing the foundations for involvement of the rural people in these activities and giving some privileges to rural employers;

5-5- Education for the rural people in industrial skills, and initiating some training and educational centers for rural people;

5-6- Expanding their towns activities to include cultural, social, and sport ones;

5-7- Creation of facilities for employees in the towns and surrounding rurals;

5-8- Evaluation of the performance of the towns to achieve the goals of sustainable development.

Keywords: Rural industries, industrial towns, rural development, Minudasht

References

- Batov. G. (2006). Development of Rural Industrial Enterprises (The Example of Kabardino-Balkaria)" Problems of Economic Transition, vol. 48, no. 10, pp. 63–69.
- Choi, H. S. (2001). "Rural Industrialization through science and technology", Institute of industrial science and technology, Korea.
- Eftekhari, R., & Taherkhani, M. (2002). deployment in rural industry and its role in the welfare of rural areas, Journal of Madras, Volume 6, Number 2, Tehran, pp 22-1
- Foos, O. (1997). establishment structure, job flows and rural employment", Rural employment in OECD countries.
- Gharah-Nejad, H. (1990). Introduction to Economic Geography, University of Isfahan Jehad, second edition, p. 11.
- Hag, S. (1994). Global industrialization: A Developing country perspective, industrial ecology and global change, cambridg university-press.
- Hang, Z., Zhang, X., & Zhu, Y. (2008). The role of clustering in rural industrialization: A case study of the footwear industry in Wenzhou China Economic Review 19 ,409–420.
- Lee, D. (2001). Diversification of the rural economy: A case study of on rural industrialization in the Republic Korea, japan program/INDES, Conference - japan.
- Malek Mohammadi, I. (1997). position convesion and publishing industries to promote technical innovation in agriculture, industry, Proceodings of Seminar on Role of agricultural development, research and scientific town Isfahan.
- Misra, R. P. (1985). rural industrialization in third world countries, stering publishers, new dehli, p. 330.
- Misra. R. P., & Achyuta, R. n. (1990). micro-level rural planning: principle, methods and case study, concept publishing company, new dehli, p. 15.
- Monshizadeh, R., & Taslimi Pour, M. (2004). the consequences of settlement soace Kaveh industrial city on saveh settlement soace, Journal og geography and Regional development, No. III.
- Moshiri, s. R., & Azarbad, N. (2007). the consequences of establishment of industrial zones in rural areas, case study: the Village Kamard, Villag Syhrod, city of Tehran, journal of Rural research and Development, Year 10, No 3. Tehran.
- Moshiri, s. R., Mahdavi, & Timur Amar, m. (2003). the need for change in economice Functional in rural areas (case study: The distict khorgam, Rodbar city), Geographical Studies, No 50, Tehran.
- Motiei Langeroudi, H., & Najafi Kiani, A. A. (2001). review and evaluate the effects of settlements and industrial areas in economic and social development in rural areas, sample: city of Babol, Journal of Geographical Studies, No. 58, Tehran, 16 - 147
- Motiei Langeroudi, H. (2003). Rural Planning with emphasis on Iran, Mashhad Jehad University Press
- Motiei Langeroudi, H., & Moradi, M. (2005). place industries, rural development and in

- the process industrialization, central city of Birjand, *Journal of Geographical Studies*, No. 53, Tehran, pp 149-137.
- Mukherjee. A. & Zhang, X. (2007). Rural Industrialization in China and India: Role of Policies and Institutions" *World Development* Vol. 35, No. 10, pp. 1621-1634.
- Nassiri, I., establishment of industrial unites, A factor affecting the process of economic and social development in rural communicaties(experiment sample: villages Boomehen City) scientific and research journal of geogeaphical soace, Year ix, No. 25.
- Olayiwola L. M. & Adeleye O. A. (2005)." Rural Development and Agro-Industrial Promotion in Nigeria: Concepts, Strategies and Challenges" Department of Urban and Regional Planning, Obafemi Awolowo University Ile-Ife, Nigeria, *J. Soc. Sci.* , 11(1): 57-61
- Parikh, A. (1996). "Impact of rural industrialization on village life and economy, A social Accounting matrix approach" *Economic development and cultural change*. vol44, no2, p. 351-377.
- Peng, J. Wang, Y. Jing, J. Chang, Q and Wu. J. (2007). " Rural industrial structure and landscape diversity: Correlation Research", *International journal of sustainable development*, *World Ecology* ,14, 268-277.
- Pourahmd, A., Taher Khani, M. & Khani, R. B. (2001). role in the industrial areas of employment and reducing rural migration (Case study: industrial area Lasjrd), *Geographical Research*, No. 43, Tehran, pp 56-46
- Rahimi, A. (2004). Conversion and complementary industries of agriculture and rural industries, Office of conversion industries and agriculture UPDATE Ministry of Agriculture, Allameh Tabatabaei University, Tehran.
- Rahmani, B. & Mirzaei, M. (2007). expanding agricultural industry in the field, case studies, rural Iraj - Village Roien- Esfarayen city, *Geographical Studies*, No. 59, Tehran, pp 80 -69.
- Rezvani, M. R., & Ramezanzadeh Lsboei, M., Mohammad Pour Jaber, M. (2010). analyzed the effects of socio - economic development of industrial areas in rural areas, sample: Industrial Area Soleiman Abad Tonekabon ,*Rural Development Quarterly*, No. 18. 26, Tehran -5
- Rezvani, M. R. (2004), Introduction to rural development in Iran, Tehran, Qums publication.
- Rizvanul, I. (1994)." rural industrialization: an engine prosperity in postrefoem rural China" *world development*,vol. 22. no11,p 1643-1662.
- Saidi, A. (1998). Principles of Rural Geography, Tehran, publisher Samte, p. 4.
- Scott, R. (1994). Rural Industrialization and Increasing Inequalit. *Journal of Comparative Economics*, Volume 19, Issue 3, December 1994, Pages 362-391.
- Soleimani, M. (2002). transformation of new industrial cities, villages fring; a case study(Alvand- Alborz), *Geographical reseaech Quarterly*, No. 65, Isfahan.
- Taherkhani, M. (2001). The role of industrial districts in rural development, Case Study: Central Province Rural Industrial zones, *Journal of Geographical Studies*, No. 40, Tehran, 45-23
- UNIDO. (1991). "Industry and Development" Global report., No 9. p. 487.
- Youscfi, m. (1994) industrialization and trade policies of OPEC countries. Deep and Deep new dehli.
- Wang, M., Webber, M., Finlayson, B., Barnett, J. (2008). Rural industries and water pollution in China, *Journal of Environmental Management* 86, 648-659.